

دخالت‌های ویرانگر

زهرافرتوزی-روان‌شناس
دخالت خانواده از قدیم مهم‌ترین دلیل به وجود آمدن اختلافات در زندگی زن و شوهرهای جوان است. زوج‌های جوان در برهه‌های خاص زندگی‌شان که ماه‌های ابتدایی و سال اول است با دخالت خانواده‌هایشان در شناخت متقابل با چالش مواجه می‌شوند به طوری که گاهی به این نتیجه می‌رسند که اشتباه کرده‌اند. خانواده‌ها به دو شکل در زندگی زوج‌ها دخالت می‌کنند و بدترین شکل آن دخالت مستقیم است که با روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد و عجیب این که تصور می‌کنند حق دارند نپذیرفتن این موضوع از طرف هر یک از زوجین بادرگیری و مشاجرات بسیار همراه است. اما گاهی دخالت خانواده به صورت غیر مستقیم است که این نوع دخالت به شکل‌های متفاوتی اعمال می‌شود.

احساس‌هایی نظیر نادیده گرفته شدن، طرد شدن، بی‌پناهی، دوست داشتنی نبودن، خشم، غم و... گاهی بی‌مجا‌با در زندگی مشترک به ذهن‌مان هجوم می‌آورند. با کمی دقت متوجه خواهید شد نظیر این احساسات را قبلاً بارها و بارها تجربه کرده‌اید. در حقیقت بسیاری از این دردها و تالمات روحی مانند زن‌های نهفته‌ای هستند که در دوره‌ای از زندگی تجربه شده و بعد از ازدواج دوباره با شدت بیشتری خود را نشان می‌دهند. تحقیقات روان‌شناسی نوین نشان داده ما اغلب در جست و جوی موقعیت‌های احساسی مشابه‌ای چه در کودکی داشته‌ایم، هستیم. این احساسات می‌تواند مثبت یا منفی باشد. گاهی خانواده یا ایجاد احساس گناه در فرزند خود پس از ازدواج نیز مترصد کنترل او است.

این دسته از والدین به واسطه عشق و علاقه‌ای که فرزندان‌شان به‌ان‌ها دارند در طول دوران زندگی همواره خواستار وابستگی عاطفی و عقلی آنان نسبت به خود هستند. به طوری که حتی دیده شده گاهی زوج‌های جوان از ترس ناراحتی خانواده و احساس گناهی که در آن‌ها به وجود می‌آید کاملاً تحت کنترل خانواده تصمیم‌گیری می‌کنند حتی اگر این تصمیم مغایر با خواسته همسرشان باشد. خانواده‌های سخت‌گیر معمولاً پس از ازدواج نیز فرزندان خود را تحت سلطه دارند و کنترل می‌کنند و استقلال آنان را خدشه‌دار می‌کنند و همین موضوع زمینه‌های بروز اختلاف در زندگی زن‌شوایی زوج‌های جوان را فراهم می‌کند.

نگرانی از جدایی فرزندان و این که خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندشان بعد از ازدواج متعلق به شخص دیگری است باعث می‌شود بعضی از پدران و مادران با دخالت در امور زندگی زوج‌های جوان، حضور دایمی خود را در کنار فرزندان‌شان به اثبات برسانند. بدو دخالت مادر شوهر و مادر زن یکی از موضوعاتی است که در جامعه ما و بین زوج‌ها همواره مطرح بوده است. در صورت بررسی متوجه می‌شویم که هر کدام از این مادران به طور ناخودآگاه نگران جدایی فرزندان خود هستند و این مسئله در باره پسر‌ها خیلی بیشتر مطرح است زیرا مادران معمولاً برای فرزندان پسر خود سرمایه‌گذاری عاطفی بیشتری می‌کنند، به‌ویژه مادرانی که در زندگی زن‌شوایی موفق نبوده‌اند. از سوی دیگر اغلب والدین کمبودهایی را که در گذشته و در زندگی خود تجربه کرده‌اند در فرزندان خود جست‌وجو می‌کنند. به عنوان مثال مادری که از عشق و علاقه همسر خود محروم بوده، تجربیات و سوء ظن خود را به دخترش که زندگی مستقلی دارد انتقال می‌دهد.

پدر سالاری و مادر سالاری در خانواده‌ها نیز از جمله عواملی است که زندگی فرزندان را متأثر می‌کند. زیرا فرد سلطه‌گر به استقلال افراد حتی پس از ازدواج نیز اهمیتی نمی‌دهد و همواره خود را در مقام فردی که می‌تواند برای دیگران تصمیم بگیرد قرار می‌دهد و حتی در زندگی مشترک به جای فرزند خود نیز تصمیم می‌گیرد.

گاهی والدین صرفاً از روی عشق و علاقه به فرزندان خود در زندگی‌شان دخالت می‌کنند که در ک نکردن این مسئله توسط زوج‌های جوان معمولاً منجر به اختلاف می‌شود. البته والدین نیز باید بدانند به رغم عشق و محبتی که به فرزندان خود دارند باید به آن‌ها استقلال عمل و آزادی در تصمیم‌گیری بدهند.

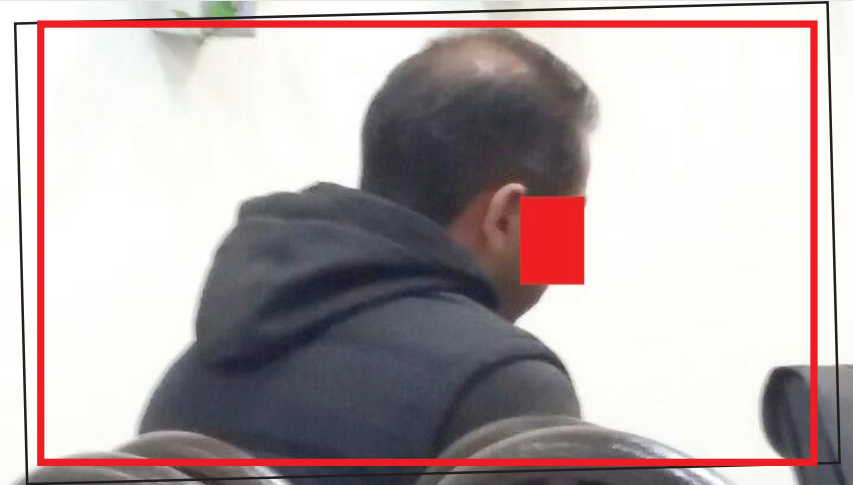
فراقتنی یکی از سازوکارهای دفاعی در رفتارهای روزمره افراد است. والدینی که خود در زندگی مشترک دارای اختلاف هستند، این اختلاف را ناخودآگاه به زندگی فرزندان خود نیز انتقال می‌دهند. به عنوان مثال پدر و مادری که در زندگی مشترک به یکدیگر اعتماد ندارند، حس بی‌اعتمادی را به دختر و پسر جوان خود که ازدواج کرده‌اند نیز انتقال می‌دهند.

دخالت خانواده در زندگی زن‌شوایی باعث می‌شود زوج‌های جوان احساس استقلال خود را از دست داده و بدون هیچ‌گونه قدرت تصمیم‌گیری صرف‌تابع والدین خود باشند و این مسئله نیاز به قدرت خود شکوفایی که یکی از مراحل رشد انسانی است را در زوج‌های جوان مختل می‌کند.

ناسازگاری دایمی، همراه با مشاجرات متعدد برای به اثبات رساندن نظرات خود که عموماً متأثر از نظرات والدین است از جمله مواردی است که زندگی زوج‌های جوان را به شدت مخدوش خواهد کرد.

تغییر نگرش زوج‌های جوان به والدین دخالت‌کننده و ایجاد احساس بدبینی درباره اطرافیان فضای زندگی زوج‌ها را متشنج کرده که گاهی این بدبینی با سوگیری و دفاع بی‌مدرانه است. دخالت خانواده باعث می‌شود زوج‌های جوان نتوانند مهارت‌های لازم زندگی‌یا به عبارتی سبک زندگی را به نحوه صحیح یاد بگیرند و در نتیجه دیده می‌شود که این دسته از زوج‌های جوان عموماً فاقد قدرت حل مسئله، خودآگاهی، تصمیم‌گیری، کنترل استرس و خشم هستند، حال این که این مهارت‌ها از شرایط اولیه یک زندگی موفق است و بدون آن‌ها مسلم‌آزندی مشترک سرانجام مطلوبی نخواهد داشت.

تصمیم تلخ یک مرد در سردی یک عشق



کلانتری محل زندگی‌شان رفت.

زندگی عاشقانه

رئیس کلانتری با توجه به صیغه نامه‌ای که در دست فرشاد بود برای حل مشکل این زوج جوان، آن‌ها را به قسمت دایره اجتماعی معرفی کرد.

سمیه در ابتدا پیش روی کارشناس اجتماعی کلانتری قرار گرفت و گفت: ۲۲ ساله بودم که در دانشگاه با فرشاد آشنا

شدم و خیلی زود به هم علاقه مند شدیم. چهار سال با هم در ارتباط بودیم و هر روز علاقه‌مان به هم بیشتر شد تا این که فرشاد به خواستگاری آمد.

وی افزود: خانواده ابتدا مخالف بودند اما وقتی فهمیدند ما به هم علاقه‌مند هستیم راضی به ازدواج شدند و بهترین شب زندگی‌ما وقتی بود که خودم را در لباس عروس در کنار فرشاد دیدیم. زن جوان ادامه داد: در

این چهار سالی که از دواج کردم همیشه به شوهرم علاقه داشتم و در کنار هم بهترین زندگی را داشتیم، فرشاد هم به من علاقه داشت و هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم

این در حالی بود که فرشاد قبل از خروج از ماموران خواست دقایقی منتظر بمانند. او به سراغ کیف دستی‌اش رفت و با برداشتن یک برگه سوار بر خودروی پلیس به

فرشاد به من خیانت کرده است و فکر می‌کردم برای انجام کارش سرگرم موبایلش است تا این که شوهرم صاحب فرزند شد و من برای کمک به او به خانه‌شان در یکی از شهرهای شمالی رفتم. سمیه گفت: وقتی به خانه بازگشتم با یک زن در خانه‌ام روبه رو شدم، شوکه شدم و باور نداشتم که شوهرم پس از این همه سال که صادقانه و عاشقانه در کنار هم زندگی کردیم به من خیانت کرده است.

زندگی سرد

فرشاد در ادامه شروع به صحبت کرد و گفت: من زندگی‌ما را عاشقانه شروع کردم و در این سال

ها هیچ وقت به همسرم خیانت نکردم ولی بعد از ازدواج، رفتار سمیه تغییر کرد و نسبت به من و زندگی سرد شد. وی افزود: دو سال ابتدایی زندگی‌مان سمیه همچون دوران مجردی که با هم دوست بودیم

زنی پر انرژی بود اما رفته رفته رفتارش سردو آرام‌آرام شد، بعد از کار با کلی انرژی به خانه می‌آمدم و از سمیه می‌خواستم که شب به

بیرون برویم اما او با لحنی سرد می‌گفت که خسته‌ام و حوصله بیرون رفتن ندارم.

مرد جوان ادامه داد: دوستانم دور هم جمع می‌شدند و از ما دعوت

می‌کردند که با آن‌ها باشیم اما سمیه نمی‌پذیرفت، حتی رفت و آمدما به خانه بستگان‌مان کم شده بود و این در حالی بود که من علاقه زیادی به رفت و آمد و طبیعت گردی داشتم اما سمیه هیچ وقت با من همراه نشد تا در تورهای طبیعت گردی شرکت کنیم. زندگی من به یکنواختی رسیده بود و رابطه‌مان رنگ و بوی زندگی زن‌شوایی و عاشقانه را دیگر نداشت.

فرشاد گفت: دچار افسردگی شده بودم، به همین خاطر پیش روان‌شناس رفتم و دکتر بارها از من خواست که برای حل مشکل سمیه را همراه خود به مطب ببرم ولی سمیه هیچ وقت حاضر نشد با من به مطب دکتر بیاید.

دکترم خواست برای این که دچار افسردگی نشوم راه‌حلی پیدا کنم ولی هیچ وقت توصیه نکرد که به همسرم خیانت کنم. وی افزود: چندی قبل در فضای مجازی با مرجان آشنا شدم و در مدت کوتاهی که با هم در ارتباط بودیم و در ددل می‌کردیم

فهمیدم او از همسرش جدا شده و دوفرزند دارد. مرجان هم حرف‌های من را که همسرم سرد شد، شنید و به اتفاق تصمیم گرفتیم با هم به صورت پنهانی در ارتباط باشیم.

مرد جوان ادامه داد: مرجان را

صیغه خودم کردم و در این مدت با هم در ارتباط بودیم. او هیچ گاه به خانه ام نیامده بود تا این که همسرم به سفر رفت و چون شرایط خوبی بود تصمیم گرفتم او را به خانه‌ام دعوت کنم تا این که سمیه به خانه بازگشت و متوجه ماجرا شد. باورکنید من به سمیه و زندگی‌ام علاقه مند هستم و هیچ وقت حاضر به جدایی و طلاق نیستم. اگر سمیه با من همراه می‌شد هیچ وقت این اتفاقات رقم نمی‌خورد و حاضر برای این که او را از دست ندهم هر کاری که می‌خواهد انجام دهم ولی کاش کمی مرا درک کند و متوجه رفتارهای سردش در زندگی بشود.

زن تنها

مرجان ۴۳ ساله که دو فرزند دارد در ادامه گفت: من هیچ وقت قصد به هم‌زدن زندگی کسی را نداشتم و چون خودم یک بار طعم تلخ شکست و طلاق را چشیدم حاضر نیستم کسی زندگی‌اش به جدایی بکشد.

وی افزود: من وقتی حرف‌های فرشاد را شنیدم، متوجه شدم او انسان بدی نیست و می‌توانم به او به عنوان یک مرد تکیه کنم و حتی وقتی قرار شد به خانه فرشاد بروم خیلی می‌ترسیدم که همسرش متوجه رابطه‌مان بشود و این را هم بارها از فرشاد شنیدم که او زنش را دوست دارد.

بنابه این گزارش، فرشاد در برابر فشارهای همسرش برای فسخ عقد وقت تن به این خواسته نداد و با بیان این که مرجان باعث شده است او به زندگی امیدوار باشد از سمیه خواست تا این واقعیت کنار بیاورد و قول داد در زندگی‌شان خدشه‌ای وارد نشود.

اما سمیه نپذیرفت و در حالی که با حالت قهر کلانتری را ترک می‌کرد گفت برای طلاق به دادگاه خانواده خواهد رفت.

مرجان را

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

نخستین سرنخ

شش روز از ماجرای ناپدید شدن آرمین گذشت تا این که مدیریک کمپ ترک اعتیاد در شرق تهران در تماس با ماموران پلیس ادعای عجیبی را مطرح کرد. مدیر کمپ به ماموران گفت: برای سرکشی و دیدن همکارانم به یک کمپ ترک اعتیاد در منطقه



تهرانپارس رفته بودم که دیدم پسر جوانی روی تخت بسته شده است و وقتی مرا دید التماس کرد کمکش کنم. وی افزود: پسر جوان اصرار داشت که اعتیاد ندارد و او را اشتباهی به این جا آورده‌اند و وقتی او را دیدم به چهره‌اش نمی‌آمد که معتاد باشد ولی مسئولان کمپ تاکید داشتند که پدر این جوان ادعا کرده پسرش معتاد است. مدیر جوان ادامه داد: باتوجه به تجربه‌ام مطمئن‌دارم که پسر جوان اعتیاد ندارد و برای‌راهی او تصمیم گرفتم با پلیس تماس بگیرم.

آرمین در کمپ

ماموران باتوجه به اطلاعاتی که مدیر کمپ در اختیار پلیس قرار داده بود پی بردند مشخصات جوان داخل کمپ و آرمین گم‌شده به هم شباهت دارد این فرضیه

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان

زه شد و ماموران در تحقیقات فنی پی بردند که

آرمین آخرین بار قصد رفتن به خانه پدرش را داشته

اما هیچ گاه به خانه پدرش نرسیده است.

پدر یک جوان پولدار برای رسیدن به سرمایه‌پس‌رش

نقشه یک آدم‌ربایی عجیب را طراحی کرد. چندی قبل مادری نگران با حضور در دادسرای امورجنایی

تهران از ناپدید شدن پسر جوانش که گرین کارت

آمریکادار خبر داد و در ادامه تیمی از ماموران برای

پیدا کردن این جوان گم‌شده وارد عمل شدند. مادر

نگران به ماموران گفت: سال‌هاست که از شوهرم

طلاق گرفتم و به تنهایی زندگی می‌کنم. پسر

آرمین که ۳۷ ساله است گرین کارت آمریکا و وضعیت

مالی خوبی دارد و همیشه به من و پدرش سر می‌زند

و چندی قبل نیز نام‌دگر داماد چند روزی است که از

او خبر ندارم. بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی کلان